

# بیراهه موفقیت دانشگاهی

۲۴۱-۲۳۳

**چکیده:** سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۹۵ کتابی با عنوان «جامعه‌پذیری دانشگاهی: مهارت‌ها و راهبردهایی برای بهبود کیفیت زندگی و موفقیت دانشگاهی» منتشر کرده است. این کتاب پیرامون بعضی ابعاد کیفیت اوضاع دانشگاهی به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در نوشتار حاضر، با مقایسه محتوای کتاب مذکور با کتاب *Your Guide to College Success: Strategies to Achieving Your Goals* اثر Santrock و *Holonen*، کتاب جامعه‌پذیری دانشگاهی را در یوته نقد و بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: کتاب «جامعه‌پذیری دانشگاهی»، موفقیت دانشگاهی، کیفیت اوضاع دانشگاهی، نقد کتاب.

جامعه‌پذیری دانشگاهی: مهارت‌ها و راهبردهایی برای

بهبود کیفیت و زندگی و موفقیت دانشگاهی، سازمان

انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۵.

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

### Success in Academic Life

Mohsen Islami

**Abstract:** In 2016, Jihad Daneshgahi Publishing Organization published a book entitled «University Socialization: Skills and Strategies for Improving the Quality of Life and Academic Success». This book has been written about some aspects of the quality of the university situation. In the present article, the author compares the content of the book with another book «Your Guide to College Success: Strategies to Achieving Your Goals» by Santrock and Holonen, and reviews the book.

**Keywords:** The book «Academic Socialization», academic success, the quality of the academic situation, book review.

### النجاح في الانتحار الجامعي

محسن إسلامي

الخلاصة: أصدرت مؤسسة انتشارات الجهاد الجامعي في سنة ١٣٩٥ الشمسية كتاباً باللغة الفارسية تحت عنوان جامعه پذيرى دانشگاهى: مهارت ها و راهبردهاى براى بهبود كيفيت زندگى و موفقيت دانشگاهى (= التنشئة الاجتماعية الأكاديمية: مهارات وتوجيهات لتحسين مستوى المعيشة والنجاح الجامعي). وهذا الكتاب يبحث عن بعض أبعاد كيفية الأحوال الجامعية. والمقال الحالي يقوم كاتبه بمقارنة محتويات الكتاب المذكور مع كتاب Your Guide to College Success: Strategies to Achieving Your Goals من تأليف Santrock و Holonen (= دليلك للنجاح الجامعي: أساليب كي تصل إلى أهدافك) ليصل من خلال ذلك إلى تقديم بعض ملاحظاته النقدية على الكتاب المذكور. المفردات الأساسية: كتاب جامعه پذيرى دانشگاهى (= التنشئة الاجتماعية الأكاديمية)، النجاح الجامعي، كيفية الأحوال الجامعية، نقد الكتاب.

## درآمد

سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۹۵ کتابی با عنوان جامعه‌پذیری دانشگاهی: مهارت‌ها و راهبردهایی برای بهبود کیفیت زندگی و موفقیت دانشگاهی<sup>۱</sup> را منتشر کرده است. این کتاب دربارهٔ بعضی از ابعاد کیفیت اوضاع دانشگاهی ما گویاست.

## «موفقیت» دانشگاهی

مخاطب کتاب کیست؟ کتاب‌ها متناسب با مخاطب دانشجوی و دانشگاهی انواع مختلفی دارند. برای مثال کسی که قصد ورود به دانشگاه را دارد، باید درک اولیه‌ای از رشته‌های مختلف و ویژگی‌های هر یک از آنها داشته باشد. همچنین غالب دانشجویها می‌خواهند بدانند چطور مفیدتر درس بخوانند و عملکرد بهتری در امر تحصیل و مراحل بعد از آن داشته باشند. بسیاری از آنها هم در کنار درس، دغدغهٔ زندگی اجتماعی در دوران دانشجویی را دارند. به همین ترتیب، بعدتر این سؤال پیش می‌آید که ادامهٔ تحصیل تا چه مقطعی لازم است و چگونه بدانیم چه دانشگاه‌هایی برای مقاطع بالاتر بهترند. در نهایت هم شاید کسانی به فکر شغل دانشگاهی بیفتند و بخواهند بدانند که ویژگی‌های این شغل چیست؛ مزیت و عیبش کدام است؛ راه به دست آوردنش چیست و چگونه می‌توان در آن پیش رفت.

چند نمونه از این کتاب‌ها را در نظر بگیرید. کتاب مختصر دانشجوی موفق: راهکارها و توصیه‌های عملی برای موفقیت درسی دانشجویان<sup>۲</sup> نمونهٔ خوبی برای مقاطع اولیه تحصیل است. فن مطالعه<sup>۳</sup> مخاطب عمومی تری دارد، اما با تفصیل و جزئیات بیشتری هم به این موضوع می‌پردازد و برای مخاطب کمی پخته‌تر است. گاهی هم کتاب‌ها برای مخاطب محدودتری هستند. برای مثال فوت و فن فلسفه: راهنمای عملی موفقیت در رشته فلسفه<sup>۴</sup> برای دانشجویان کارشناسی فلسفه یا کسانی است که ممکن است در دانشگاه درس فلسفه پیش روی داشته باشند. گاهی هم کتاب‌های این حوزه برای مقاطع تحصیلات تکمیلی و بعد از آن هستند. کار خوبی است جز آنکه نیست: مسیر موفقیت در دانشگاه<sup>۵</sup> بیشتر دربارهٔ تصمیم به ادامهٔ تحصیل در مقاطع دکتری و شغل دانشگاهی است. از جمله دربارهٔ درآمد اعضای هیئت علمی و نسبت مناسب آموزش/پژوهش و مانند آنها هم توضیح داده است.

کتاب مورد بحث ما در کجای این تصویر قرار می‌گیرد؟ عنوان کتاب در این باره قیدی ندارد و معلوم

۱. روی جلد اثر ذکر شده است: «مؤلفان: دکتر ... (دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء) / ... (دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء)».

۲. مت هکتیو تیلور و ماری بونسال؛ ترجمه محمد سعیدی مهر؛ قم: بغضه الرسول، ۱۳۸۱.

۳. لیندار فریل انیس؛ ترجمه علی صلحجو؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷ (چاپ ششم).

۴. نایجل واربرتون؛ ترجمه علیرضا حسن پور؛ قم: طه، ۱۳۹۷. (همین ترجمه قبل‌تر با عنوان اصلی چگونه فیلسوف شویم منتشر شده بود؛ تهران: رویش نو، ۱۳۸۶)

5. Jason Brenna, Good Work If You Can Get It: How to Success in Academia, Johns Hopkins University Press, 2020.

نیست برای کدام گروه از مخاطبان دانشگاهی است، ولی عنوان اصلی آن نسبتاً درشت و سنگین است: جامعه‌پذیری دانشگاهی، اما عنوان فرعی عمومی‌تر است: مهارت‌ها و راهبردهایی برای بهبود کیفیت زندگی و موفقیت دانشگاهی. کتاب را که باز کنیم و سراغ فهرست برویم، ابهام کمتر می‌شود. کتاب سیزده گفتار دارد و بعضی از آنها درباره «مهارت‌های خواندن و نوشتن» و «مهارت‌های مطالعه و حافظه» و «موفقیت در آزمون» (گفتارهای هفت تا نه) است. اگر از فهرست بگذریم و پیش‌گفتار «مؤلفان» را بخوانیم، دیگر درباره مخاطب ابهامی نمی‌ماند.

این کتاب به عنوان منبع درس مهارت‌های زندگی برای تمامی دانشجویان در تمامی رشته‌ها و دوره‌های تحصیلی سودمند است. البته مخاطب اصلی آن دانشجویان سال اول دانشگاه هستند که در

ابتدای راه تحصیلات دانشگاهی قرار دارند و به دلیل تفاوت‌های دانشگاه با دبیرستان به مهارت‌هایی برای سازگاری با محیط آموزشی جدید نیاز دارند. (ص ۸)

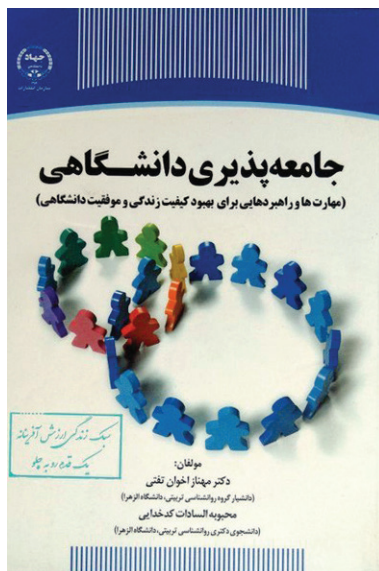
این توضیح بسیار نویدبخش است. به ویژه چون در فهرست کتاب عناوینی درباره «بهداشت جسمی و روانی» و «مدیریت مالی» (گفتارهای یازده و دوازده) نیز دیده می‌شوند؛ موضوعاتی که در اهمیت‌شان تردیدی نیست، ولی معلوم نیست در چه بخشی از کدام مقطع تحصیلی باید آنها را یاد گرفت. پس قاعدتاً جای خوش‌وقتی است که هیئت علمی دانشیار دانشگاهی دولتی همراه دانشجوی دکتری همان دانشگاه چنین کتابی را تألیف کرده‌اند و ناشر سازمان انتشارات «جهاد دانشگاهی» است؛ جایی که به نظر می‌رسد دقیقاً متکفل‌پرکردن خلأها و تأمین منابع آموزشی مفید برای کمک به جامعه دانشگاهی است، جز آنکه اوضاع و احوال این کتاب هیچ طبق قاعده نیست. با نگاه به یک کتاب دیگر موضوع روشن می‌شود.

### پدیده بی‌نام

بیاپید به کتاب دیگری نگاه می‌بندازیم که برای سطح کالج است:

Your Guide to College Success: Strategies to Achieving your Goals (2010)

کتاب را جان دابلیو. سنتراک<sup>۶</sup> و جین اس. هالونن<sup>۷</sup> نوشته‌اند و ناشر آن ودزورث است. ویراست ششم کتاب که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است ۱۲ فصل دارد. در میان فصول کتاب عنوانین: «هضم کنید:



6. John W. Santrock.

7. Jane S. Halonen.

یادداشت برداری و مطالعه»، «بهبود مهارت های مطالعه و حافظه» و «موفقیت در آزمون»، (فصل های ۶ و ۷ و ۸) «مسئول سلامت جسمی و روحی خودتان باشید» و «در امور پولی مدیر خوبی باشید» (فصل های ۱۰ و ۱۱) دیده می شود. به نظر می رسد که شباهت عنوان کتاب انگلیسی با هدفی که «مؤلفان» کتاب فارسی ذکر کرده بودند و همچنین مطابقت عناوین فصول مذکور و ترتیب آنها موجب سوء ظن می شود. در ادامه بررسی می کنیم که این سوء ظن بجاست یا خیر.

شاید توضیحی که در «پیشگفتار مؤلفان» ذکر شده است این بدبینی را برطرف کند:

محتوای این کتاب، تجربی. کاربردی است که بر پایه اصول روانشناسی تربیتی (آموزشی) و با الهام از یک الگوی راهبردی شش قسمتی (سنتروک و هالونن، ۲۰۱۰) تدوین شده است. (۸)

بالاخره به این کتاب انگلیسی اشاره شده است. در واقع مشخصات این اثر در بخش منابع نیز آمده است. پس شاید شباهت چند عنوان از فصل های دو کتاب جامعه پذیری دانشگاهی فارسی و راهنمای موفقیت در کالج انگلیسی و شباهت ترتیب آنها اتفاقی و در حد ایده گرفتن باشد. خواهیم دید که چنین نیست.

مواردی از شباهت فصل ها که ذکر شد، صرفاً نمونه بود و مشتق نمونه خروار. عملاً کل فصل ها یکسان هستند. البته کتاب فارسی ۱۳ گفتار دارد و کتاب انگلیسی ۱۲ فصل. پس شاید لاقلاً یک گفتار از کتاب فارسی باید متفاوت باشد! ولی این طور نیست. در کتاب فارسی عنوان گفتار اول «تعهد برای موفقیت دانشگاهی» است. حال آنکه در کتاب انگلیسی «به موفقیت در کالج متعهد شو» عنوان «پیش گفتار» کتاب است. حتی یک «گفتار» متفاوت هم در کار نیست.

شباهت دو کتاب فقط در عنوان فصل ها نیست. برای نمونه جدول زیر مقایسه عناوین اصلی فصل اول کتاب فارسی و پیش گفتار کتاب انگلیسی است:

Prologue: Commit to College Success	گفتار اول: تعهد برای موفقیت در دانشگاه
Make a Smooth Transition to College	گذار آرام <sup>۸</sup> به محیط دانشگاه (۱۱)
Clarify Your Values	ارزش های تان را تعریف کنید (۱۵)
Develop Your Competence	شایستگی های خود را رشد دهید (۱۷)
Manage Your Life	زندگی تان را مدیریت کنید (۲۱)
Expand Your Resources	منابع تان را گسترش دهید (۲۴)
Know Yourself	خودتان را بشناسید (۲۴)

۸. در کتاب فارسی، در اینجا معادل «smooth transition» هم در پاورقی هم ذکر شده است.

BUILD A BRIGHT FUTURE: Take Steps Toward Career Success	در مسیر آینده‌ای روشن: به سوی موفقیت حرفه‌ای گام بردارید (۲۶)
SUMMARY STRATEGIES FOR MASTERING COLLEGE	چکیده‌ای از راهبردهای موفقیت در دانشگاه (۲۶)
REVIEW QUESTIONS	
Know Yourself SELF-ASSESSMENT 1: What Are my Values?	خودارزیابی: ارزش‌های من چه هستند؟ (۲۸)
Your Journal	

گویا مطلب خاصی در کتاب فارسی نیست که در کتاب انگلیسی نباشد. در عین حال متن فارسی کاملاً هم مطابق با متن انگلیسی نیست. برای مثال بعضی از قسمت‌ها در آن حذف شده‌اند. به علاوه هر یک از این عناوین دارای عناوین جزئی‌تری هم هستند. در کتاب انگلیسی عناوین اصلی و فرعی به واسطه فونت‌های مختلف متمایز شده‌اند. در کتاب فارسی همه عناوین فرعی و اصلی به یک اندازه هستند و تشخیص آنها ساده نیست، مگر با رجوع به کتاب اصلی. حذفیات متن فارسی شامل موارد دیگری هم هست که در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌کنم.

البته نمی‌توان گفت که تمام متن فارسی از روی کتاب انگلیسی است. در «گفتار دوم: آشنایی و رابطه با محیط دانشگاه» قسمتی با عنوان «آشنایی با ساختار دانشگاه‌های ایران» (۳۹-۴۵) آمده است. علی‌القاعده این مطلب نمی‌تواند برگرفته از کتاب انگلیسی باشد! در پاروئی ابتدای این قسمت هم ذکر شده است که «اطلاعات از سامانه‌های دانشگاه‌های مختلف کشور... گردآوری شده است» (تأکید از من) و نام تعدادی از دانشگاه‌ها قید شده است. طبعاً به این قسمت می‌توان خوشبین بود که بالاخره «مؤلفان» نقشی در محتوای کتاب دارند. با این حال اولین و تنها عبارتی که از این قسمت بررسی کردم این بود:

### معاونت فرهنگی. اجتماعی

معاونت فرهنگی. اجتماعی دانشگاه وظیفه ارتقای ارزش‌های اسلامی، افزایش مهارت‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی... (۴۲)

اتفاقاً عین این عبارت و ادامه آن متن را در صفحه معاونت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه محقق اردبیلی یافتیم.<sup>۹</sup> شاید بهتر باشد نظرم را به همان قسمت‌های برگرفته از کتاب انگلیسی جلب کنیم. می‌توانیم برای نمونه قسمتی از متن را که به صورت اتفاقی انتخاب شده است مقایسه کنیم:

9. [https://uma.ac.ir/page.php?slct\\_pg\\_id=743&sid=11&slc\\_lang=fa](https://uma.ac.ir/page.php?slct_pg_id=743&sid=11&slc_lang=fa).

<p>Put the 80–20 Principle into Action You might think all your responsibilities are so important that you can't drop any of them completely or reduce the time they take (Davis, Eshelman, and McKay 2000). <u>Vilfredo Pareto, an Italian economist, conceived of the 80–20 principle. He observed that about 80 percent of what people do yields about 20 percent of the results they achieve, while about 20 percent of what people do produces about 80 percent of the results. For example, approximately 20 percent of a newspaper is worth your while to read. It is a good idea to skim the rest. At least 80 percent of people's mail (e-mail and postal mail) is junk and best not read at all. Many people spend their time in a frenzy of activity but achieve little because they are not concentrating on the things that will produce positive results for them. Separating the important stuff from the junk will help you become a better time manager. The Journal activity "The 80–20 Principle in Your Academic Life" on page 87 will help you learn to apply this theory.</u></p>	<p>از قانون ۸۰/۲۰ استفاده کنید قانون ۸۰/۲۰ یکی از سودمندترین قوانین در زمینه مدیریت زمان است. این قانون توسط پارتو اقتصاددان ایتالیایی مطرح شد و به اصل پارتو نیز معروف است. بر اساس این قانون بیست درصد از فعالیت‌های روزانه شما ارزشمند است و هشتاد درصد فعالیت‌های دیگر ارزش چندانی در آینده تحصیلی و حرفه‌ای تان ندارد. متأسفانه بیشتر افراد حتی در مورد همان بیست درصد هم تنبلی می‌کنند و بیشتر زمان خود را به هشتاد درصد غیرمهم اختصاص می‌دهند. اگر بتوانید هشتاد درصد از زمان خود را صرف بیست درصد امور مهم خود کنید یا به بیان دیگر روی امور ارزشمند تمرکز کنید، موفقیت بیشتری کسب خواهید کرد. برای مثال فرض کنید حدود بیست درصد از مقاله‌ای که می‌خوانید ارزشمند است. پس بهتر از بقیه را روخوانی کنید. بسیاری از افراد با وجود اینکه در فعالیت دائمی هستند، اما نتیجه کمی می‌گیرند؛ زیرا دقیقاً روی چیزی که به نتیجه دلخواه می‌انجامد تمرکز نمی‌کنند. جدا کردن کارهای مهم از کارهای بیهوده به شما در مدیریت اثربخش کمک می‌کند.</p>
---	---

قسمت‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده از روی متن انگلیسی است. قسمتی که زیر آن خط کشیده نشده است، عملاً محتوای خاصی نیست، جز توضیح جملات قبل و بعد، اما از مقایسه متن معلوم می‌شود که مشکل کتاب فارسی فقط برگرفتن از کتاب انگلیسی نیست.<sup>۱۰</sup> نخست در متن فارسی مطالب مهمی حذف شده‌اند. برای نمونه مثال مفیدی از متن حذف شده یا عبارات ابتدای متن که ارجاعی هم در آن هست حذف شده است. توجه کنیم که این نکته حاشیه‌ای نیست. کتاب انگلیسی در ضمن بحث‌ها و توصیه‌ها به مخاطب خود مثال‌های واقعی و خوب و همچنین ورزه‌های درست دانشگاهی مثل ارجاع را یاد می‌دهد، اما کتاب فارسی ارجاعات بسیار کمتری دارد و با تورق کتاب این مطلب جلب نظر می‌کند؛ حتی وقتی برای بار اول آن را ورق بزنیم و هنوز نگران عنایت خاص این اثر به کتابی انگلیسی نشده باشیم. به علاوه بعضی از تمرین‌ها و فعالیت‌ها (چنان‌که در

۱۰. در ادبیات مربوط، برگرفتن ایده یا جملات یا بندهایی از منبعی دیگر بدون ارجاع و استناد کافی که وامداری را به روشنی توضیح دهد، «انتحال» یا «سرقت علمی» نامیده می‌شود. شاید گاهی چنین مواردی تا چند صفحه هم باشد. وقتی آثار کسی از این حیث از سایت‌ها حذف می‌شود و اعتبار فرد زیر سؤال می‌رود، در موارد زیادی موضوع در همین حد است، اما اگر آن موارد انتحال است، اینکه کل اثر برگرفته از اثر دیگری باشد دقیقاً چیست؟

این قسمت نیز دیده می شود) حذف شده اند. همچنین کتاب انگلیسی دارای کادریایی است که در آنها حکایت ها و معرفی هایی از تجربه دانشجویان واقعی ذکر شده است. با توجه به مخاطب چنان کتابی، این قسمت های مختلف همه به خواندنی شدن آن کمک می کنند. کتاب فارسی گذشته از عنوان نسبتاً پرطمطراق و صفحه آرای نامناسب، این قسمت ها را هم حذف کرده است.

دوم: کتاب فارسی حتی در کار «ترجمه» هم عملکرد بدی دارد. موضوع کیفیت نثر و نگارش نیست و بهتر است این وجه را کنار بگذاریم، بلکه در همین قسمت کوتاه هم که اتفاقی انتخاب شده است چند مشکل می بینیم: الف) در متن فارسی نام پارتوی اقتصاددان ناقص آمده است. در انگلیسی نام کامل «ویلفردو پارتو» ذکر شده است. در متن آموزشی برای مخاطبان سال اول یا پیش از دانشگاه این نکات مهم اند. ب) در متن فارسی مثال اصلی تغییر کرده و به یک توصیه بد تبدیل شده است. کتاب اصلی می گوید: اگر «روزنامه» می خوانید، احتمالاً فقط ۲۰ درصد از مطالب آن ارزش خواندن دارند. پس می توانید باقی روزنامه را صرفاً تورق کنید و گذری ببینید. این مثال به طور غیرمستقیم به مخاطب نوجوان و جوان خود می گوید که لابد گاهی روزنامه هم می خواند. در فارسی روزنامه به «مقاله» تبدیل شده و توصیه فارسی این است که ۲۰ درصد مقاله ارزش دارد و باقی را «روخوانی» کنید! گذشته از «روخوانی» به عنوان معادل «skim» (به معنای نگاه گذری و مروری یا تورق) مسئله این است که به دانشجوی جوان یاد می دهند با عجله و بی دقت بخواند، به خصوص اگر سر و کارش با «مقاله» باشد.

تصور کنید دانشجوی سال اولی دانشگاه که اگر هنر کند و «دانشجو» باشد و از تیر بلاهای اقتصادی و اجتماعی زمانه در امان مانده باشد، رجوع کند به «جهاد دانشگاهی» تا کتاب «دانشیار» دانشگاه کشورش را بخواند که چگونه در دانشگاه «موفق» شود. با تعلیم عملی برگرفتن از آثار دیگران و «روخوانی» مقاله؟

### جهاد دانشگاهی

گاهی خبط و خطای پدیدآورندگان کتاب جدی است، اما ناشر جایگاهی دارد که باعث می شود نگاهمان بیشتر به سمت او جلب شود. (حتی اگر یکی از دو اسمی که روی جلد به عنوان «مؤلف» ذکر شده است دانشیار دانشگاه دولتی بوده باشد؟ حتی اگر اینک استاد شده باشد و شاید همین «کتاب» هم در این ارتقا لحاظ شده باشد؟) به هر حال در این مواقع مسئله فقط این نیست که پیش از این چه اتفاقی افتاده است. نظام های انتشاراتی، همچنان که نظام های داوری مجلات و مانند آنها، از اساس و صرفاً برای تشخیص جرم و خطا شکل نگرفته اند، بلکه به نظر مبنای آنها بر حدی از اعتماد است. گرچه انتشاراتی ها آثار دریافتی را ارزیابی می کنند، اما ارزیابی در سطح خاصی است. نه انتشارات و نه ارزیابانی که با انتشارات همکاری می کنند احتمالاً به این فکر نمی کنند که ممکن است پدیدآوری با اسم و رسم، رسماً و علناً، بگوید «این کتاب را من نوشته ام»، در حالی که ننوشته است. حق هم دارند



که چنین فکری نمی‌کنند. مگر در میان چه کسانی هستیم که حتی در این حد که «این کتاب را من نوشته‌ام» نتوانیم به ایشان اعتماد کنیم؟<sup>۱۱</sup>

با این حال، ناشر می‌تواند و باید پس از اتفاق واکنش نشان دهد. شاید شرایط فعلی ما تا حدی توضیح دهند که چرا ممکن است از این مجله و آن ناشر زیاد دلخور نشویم که چرا چنین و چنان اثری را منتشر کرده است، اما مسئولیت ناشر و نهادهای مربوط به جای خود باقی است. در اینجا نیز جهاد دانشگاهی چنین اثری را منتشر کرده است، اثری که بناست «موفقیت دانشگاهی» را یاد بدهد ولی خودش به ساده‌ترین و اولیه‌ترین اصول دانشگاهی تعرض می‌کند. شاید ناشر راجع به آنچه گذشته است تا حدی معذور باشد اما دست کم می‌توان انتظار داشت که واکنش مناسبی به این موضوع نشان دهد؛ انگار که من و شما برای اولین بار چنین مواردی مواجه شده‌ایم و جا خورده‌ایم و نگرانیم که مبادا تکرار شود و تشدید شود و عادی شود و کم‌کم آن را نبینیم و به «خرده‌گیر»ها تندی کنیم و آخر سر اوضاع دانشگاهی مان بشود مثل ...

۱۱. بنابراین هنوز در مجلات معتبر ممکن است مطالبی منتشر شوند و بعداً معلوم شود که در آنها انتحال رخ داده است. برای مثال ویواریوم (Nivarium) مجله‌ای بین‌المللی در حوزه تاریخ فلسفه در قرون میانه و اوایل دوره مدرن است که انتشارات بریل آن را منتشر می‌کند. در سال ۲۰۲۰ با موردی از مقاله مرکب انتحال مواجه شدند و در ضمن حذف مقاله از مجله، یادداشتی در این باره منتشر کردند و موضوع را توضیح دادند. برای نمونه‌ای پیچیده‌تر می‌توان به دیدریک استاپل (Diederik Stapel) اشاره کرد که بیش از ۵۰ مقاله او از مجلات علمی معتبر حذف شده است.